

آمریکا در پی ادامه جنگ در اروپا است، نه خاموش کردن آن

مهندس شفیق خمیس - ولایت یمین



روز ۱۸ فوریه گذشته، مقامات آمریکایی و روسی نشست دربارۀ اوکراین در ریاض برگزار کردند؛ نشست که در آن، اوکراین به‌عنوان طرف اصلی جنگ، دعوت نشد و همچنین اتحادیه اروپا که طرف اصلی جنگ با روسیه است نیز کنار گذاشته شد. این در حالی بود که مقامات آمریکایی به اوکراین گفته بودند باید نیمی از معادن نادر خود را در ازای کمک‌های آمریکا واگذار کند و به اتحادیه اروپا نیز گفته بودند: «اروپایی‌ها در مذاکرات صلح دربارۀ اوکراین شرکت نخواهند کرد». این اقدامات نشان می‌دهد آمریکا دو هدف را دنبال می‌کند؛ نخست آنکه اروپا را وادار کند تا به خواسته ترامپ در دورۀ اول ریاست‌جمهوری‌اش تن دهد و سهم مالی خود در ناتو را ۲ درصد به ۴ درصد بوجه‌اش افزایش دهد؛ چیزی که برای دولت تجاری ترامپ منافع مالی بیشتری به همراه خواهد داشت، دوم و مهم‌تر اینکه روسیه را به سمت خود جذب کرده و در دام وسوسه تسلط نظامی بر اروپا بیندازد؛

چنان‌که وزیر دفاع آمریکا، پنت هیگست، اعلام کرد: «ایالات‌متحدۀ دیگر تضمین‌کنندۀ امنیت در اروپا نیست»، در این صورت آتش جنگی گسترده شعلهور خواهد شد که ویرانی‌اش هم روسیه و هم اروپا را در بر خواهد گرفت. آمریکا در اجرای طرح‌هایی برای شعلهور کردن جنگ میان روسیه و اروپا در اوکراین موفق شد؛ جنگی که دور از سرزمینش باشد تا از دود و خاکستر آن در امان بماند و تا حد امکان هم به روسیه آسیب نرزد و هم به اروپا. آمریکا هر از چند گاهی میان حمایت از روسیه و حمایت از اروپا در نوسان خواهد بود تا مدت جنگ را طولانی‌تر کند. آنچه آمریکا را برای این نقش آماده کرده است، ناتوانی سیاست روسیه در رویارویی با آمریکا و در دست گرفتن ابتکار عمل در سیاست خارجی و همچنین وابستگی اروپا به سیاست آمریکا در خصوص سهم مالی‌اش در ناتو و رهبری نظامی آمریکا بر ناتو و حضور نیروهای آمریکایی در سرزمین‌های اروپا از پایان جنگ جهانی دوم و تأسیس ناتو تاکنون است. اروپایی‌ها نیز قادر به چشم‌پوشی از چتر حمایت

نظامی آمریکا در برابر روسیه و کنار گذاشتن سهم مالی خود در ناتو نیستند. همان نباید کرد؛ سیاست آمریکا دچار سرگردمی شده است؛ از حزب دموکرات به حزب جمهوری‌خواه و از تغییر موضع یکباره از روسیه به اوکراین. درنتیجه، ترامپ یک‌دوم در سیاست آمریکا را برداشته است؛ بر پایه آنچه سلف او بایدن آغاز کرد از شعلهور کردن درگیری میان روسیه و اروپا و آسیب رساندن به روسیه از طریق کشاندن آن به جنگی فرسایشی به مدت سه سال که بر اقتصادش تأثیر گذاشت و آن مجبور به هزینه‌کرد فراوان در جنگ، فروش گاز به اروپا را از او گرفت و آن را در عرصه سیاسی از جهان منزوی ساخت. درحالی‌که اقتصاد آمریکا رنج می‌برد و در آستانه فروپاشی اقتصادی بزرگی است که هیچ قایدهای از مجبور کردن اروپا به خرید گاز از آمریکا باوجود هزینه بالاتر آن نسبت به گاز روسیه و نه کاهش هزینه‌ها و نصف کردن کسری بودجه و دیگر اقداماتی که ترامپ انجام می‌دهد، حاصل نخواهد شد.

با نصرت اسلام، تنها در آن زمان مسلمانان متحد خواهند شد و با ندای واقعی تکبیر جشن خواهند گرفت

به مناسبت مکه‌دین سالگرد نبودی خلافت اسلامی که مصادف با سوم مارس ۲۰۲۵ میلادی است، حزب‌التحریر در ولایت بنگلادش روز جمعه هنگام مراسم ۲۰۲۵ از نماز جمعه، راهپیمایی خلافت را در دروازه شمالی مسجد بیت‌الله‌المقدس برگزار کرد و خواستار برپایی خلافت بر منهج نبوت شد. هزاران نفر از عاشقان اسلام از افشار مختلف جامعه با شور و اشتیاق و بدون توجه به تهدیدات مزدوران آمریکا و هند در این تجمع شرکت کردند. از دل این جمعیت، مشتاقان اسلام فرزندان خود در ارتش را مخاطب قرار دادند و از آن‌ها خواستند نصرت خود را به رهبری مخلص حزب‌التحریر بدهند تا خلافت بر منهج نبوت را برپا کنند. ای افسران مخلص در ارتش! رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: «... و من مات و ولیس فی عثقه بینه مات میتة جاهلیة، هر کس بمیرد درحالی‌که یوغی بر گردن او نیست، مرگ او مرگ جاهلیت است» (صحیح مسلم). شما فرزندان امت اسلامی هستید و قدرت نظامی‌ها در دستان شمشات که می‌توانید با آن مسلمانان را از این جاهلیت نجات دهید. پس به ندای مردمی که امروز در راهپیمایی خلافت این خواسته را به شما رساندند پاسخ دهید و نصرت خود را به حزب‌التحریر بدهید تا خلافت را برپا کند. همان‌گونه که پیشینیان شما همچون سعد بن معاذ رضی‌الله‌عنہ این کار را کردند؛ آن‌گاه که نیروهای نظامی تحت فرمان سعد در مدینه، حمایت خود را از فرمانده کافر عبدالله بن سلول برداشتند و نصرت خود را به رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم دادند. درنتیجه، عبدالله بن سلول که عاجز بود، قدرت خود را از دست داد و واقعیت این است که تنها با پیروزی اسلام، مردم متحد خواهند شد و با ندای واقعی تکبیر جشن خواهند گرفت؛ همان‌گونه که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: «وَمِنْهُمْ نَفَرٌ أَلْفُ مِائَةٍ مِنْهُمْ مَقْرَنٌ مِنْهُمْ وَهُمْ أَعَزُّ الْفَرِجِ» «و در آن روز مؤمنان شاد خواهند شد - به نصرت الله سبحانه‌و‌تعالی که هر که را بخواهد نصرت می‌کند و اوست عزیز رحیم».

دولت سودان جنوبی روی آتشفشان قرار دارد

مهندس حسب الله النور - ولایت سوادین

دولت سودان جنوبی شاهد تنش‌های نظامی و سیاسی مداوم میان دو شریک قدرت، رئیس‌جمهور سلفاگیر میاردیت و معاون اول او ریک ماشار است؛ تنش‌هایی که به حد رویارویی‌های نظامی مجدد در هفته‌های اخیر رسیده و نگرانی‌هایی از شعلهور شدن دوبارۀ یک جنگ داخلی جدید برانگیخته است.

همان‌طور که در جنگ‌های داخلی، به‌ویژه در آفریقا معمول است، پای منافع و رقابت‌های بین‌المللی نیز در میان است. برای همه روشن است که آمریکا بر جدایی سودان جنوبی و تشکیل دولتی مستقل در این منطقه نظارت داشت. آمریکا از سال ۱۹۸۳ میلادی، جنبش جدایی‌طلبی به نام «جنبش مردمی برای آزادی سودان» را به رهبری



مزدوروش جان قزق تأسیس کرد تا همه گروه‌ها و شورشیان مخالف را در یک جنبش واحد گردآورد. همچنین روشن است که بریتانیا پیش از آمریکا به فکر جدایی افتاده بود و از سال ۱۹۵۵ میلادی بر طبل تجزیه سودان می‌کوبید. پس از آنکه آمریکا جنبش قزق را ایجاد کرد، بریتانیا نیز تلاش کرد از افرادی در این جنبش نفوذ دهد. ریک ماشار در آن دوران در بریتانیا مشغول تحصیل در رشته مهندسی صنایع و برنامه‌ریزی استراتژیک بود. او، پس از بازگشت به سودان به این جنبش پیوست؛ اما میان او و جان قزق اختلاف و درگیری شدیدی در گرفت و در سال ۱۹۹۱ از جنبش جدا شد. جان قزق او را به مزدوری برای بریتانیا متهم کرد و همسرش ایما مک‌کویین که یک زن انگلیسی، مهندسی صنایع سازمان امدادی بریتانیایی فعالیت می‌کرد، جاسوس سازمان اطلاعات بریتانیا دانست. جنگ میان او و ماشار را «جنگ ایما» نامید و ایما نیز در سال ۱۹۹۳ در ناپرویی طی یک سانحه زندگی گشته شد.

اختلافات بر سر تغییر نیروهای نظامی در منطقه نامر در ایالت اعالی‌النیل و شایعاتی درباره تصمیم دولت سلفاگیر برای خلع سلاح برخی از جوانان قبایل، به‌ویژه اعضای «ارتش سفید» که از قبیله نویر هستند و به معاون رئیس‌جمهور وابسته‌اند، منجر به درگیری‌های نظامی شد. این درگیری‌ها را گروه‌های مسلح وابسته به ریک ماشار رهبری کردند که به گفته شدن افرادی ازجمله ژنرال مسئول منطقه و تعدادی از نظامیان دولتی انجامید. در پی این تحولات، رئیس‌جمهور سلفاگیر میاردیت تغییرات گسترده‌ای در مناصب کلیدی کشور ایجاد کرد و طی آن، ژنرال‌ها و وزرای وابسته به معاونت ماشار را برکنار نمود. این تغییرات جیمز واتنی ایگا، معاون رئیس‌جمهور را نیز شامل شد. پیش از آن نیز برخی چهره‌های شناخته‌شده ازجمله وزرا و در رأس آن‌ها مشاور امنیتی توت قلوک برکنار شده بودند.

درگیری‌کنونی که سال‌هاست ادامه دارد، در اصل رقابتی میان دو طرف اصلی یعنی قبایل دینکا و نویر است که به دورهای متعددی از مواجهات نظامی منجر شده است، ازجمله جنگ داخلی پنج‌ساله‌ی پس‌سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ که حدود ۴۰۰ هزار نفر را به کام مرگ کشاند و درنتیجه با توافق ملحق شدن در سال ۲۰۱۸ پایان یافت. طبق گزارش‌های گزگزازی آسوشیئدپرس، این درگیری‌ها شدیدترین موج خشونت طی ماه‌های اخیر محسوب می‌شود و ضربه‌ای سنگین به تلاش‌های آشتی ملی وارد کرده و ممکن است کشور را به سمت جنگی جدید سوق دهد. همچنین یک نهاد حقوق بشری وابسته به سازمان ملل نسبت به افزایش خشونت‌ها و اختلافات سیاسی در سودان جنوبی هشدار داده است. سازمان ملل متحد و اتحادیه آفریقا نیز نسبت به وضعیت امنیتی سودان جنوبی ابراز نگرانی کردند، به‌ویژه پس از آنکه بالگردی متعلق به سازمان ملل در شهر نامر واقع در ایالت اعالی‌النیل (شمال) روز جمعه هدف قرار گرفت، علاوه بر آن، درگیری‌های در مناطق مختلف کشور شعلهور شده است.

(آنتولی، ۲۰۲۵/۳/۱۰)

یک کشور برای آنکه پایتاث باشد و بتواند از مداخلات بین‌المللی جلوگیری کند و در مسیر پیشرفت کام بردارد، نمی‌تواند بر توافقات قبیله‌ای، قومیتی یا منطقه‌ای و یا بر پیوندهای اساسی همچون قوم‌گرایی و ملی‌گرایی بنا شود، بلکه باید بر اساس اندیشه‌ای تأسیس گردد که مردم به آن ایمان داشته باشند و قانونی از آن استخراج شود که مردم به عدالت و صداقت راهکارهایش اطمینان داشته باشند.

ادامه : شکل نظام حکمرانی در سوریه؛ میان حکم واجب پروردگار جاییان و نیرنگ دشمنان در کمین...

۴- نظام حکومتی در اسلام امپراتوری نیست؛ زیرا نظام یعنی خلافت اسلامی، شایسته‌ی خون‌هایی است که امپراتوری از اسلام بسپارد بر است، چراکه در حکومت خودمیان ژاندهای مختلف در مناطق امپراتوری برابری دولت می‌تواند به رنج‌ها و مشکلات مسلمانان پایان دهد.

۵- اقتصاد برتر است بداند: اما طریقه اسلام در حکومت چنین است که میان حکومان در تمام بخش‌های دولت برابری برقرار می‌کند و تعصبات نژادی را رد می‌کند و به غیرمسلمانانی که تابعیت دارند، حقوق و وقایف رعیت را اعطا می‌کند؛ پس برای آنان همان است که برای مسلمانان از انصاف است و بر آنان همان است که بر مسلمانان از عدالت و اجرای احکام است. اسلام با این مساوات، از امپراتوری متفاوت است و با این نظام، مناطق را مستعمره قرار نمی‌دهد و منابع آن‌ها را برای مرکز عام و تنها برای سود خود قرار نمی‌دهد، بلکه تمام مناطق را واحد یکپارچه قرار می‌دهد، هرچند فاصله‌ها میان آن‌ها زیاد باشد و ژاندهای ساکن در آن‌ها دوگانه باشد و هر منطقه‌ای را جزئی از یکپاره دولت می‌داند و برای مردم آن، همان حقوقی را قرار می‌دهد که برای اهل مرکز یا هر منطقه دیگری است و حکومت و نظام و تشریع آن را در همه مناطق یکی قرار می‌دهد.

۵- نظام حکومتی در اسلام نظام فدرالی نیست که ایالت‌های آن با استقلال متفاوت از هم جدا شوند و در حکمت عمومی تعهد باشند، بلکه نظامی وحدتی است که در آن، ایالت‌ها جزئی از دولت واحد به شمار می‌روند و امور مالی تمام ایالت‌ها مالی واحد و بودجه‌ها واحد به‌حساب می‌آید که برای منافع تمامی رعیت هزینه می‌شود. پس نظام حکومت، وحدتی کامل است که قدرت سلطنت را در مرکز متمرکز می‌کند و برای آن، سیطره و قدرت بر هر جز، از اجزای دولت، چه کوچک و چه بزرگ، قرار می‌دهد و به هیچ بخشی اجازه استقلال نمی‌دهد تا اجزای دولت از هم‌گسسته نشود. آنچه حاصل است این است که نظام حکومتی در اسلام نظام خلافت است و اجماع بر وحدت خلافت و وحدت دولت و عدم جواز بیعت جز برای یک خلیفه، منعقدشده است و بر این امر، امامان و مجتهدان و تمامی فقها اتفاق‌نظر دارند و ما به اهل خود که بر سرزمین‌های شام استوار مانده‌اند، اهل نبردهای بزرگ و قهرمانی‌ها، می‌گوییم:

تنها حاکمیت اسلام در سایه دولتی که رضایت‌الله سبحانه وتعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را همراه داشته باشد.

ادامه ۴: رمضان و ساختن افتخارات...

در هشتم رمضان سال ۱۶۴ هجری برابر با ۶۸۴ میلادی، مسلمانان به رهبری عقاب قریش عبدالرحمن داخل بر سپاه شارلمان پیروز شدند در هشتم رمضان سال ۱۳۴۲ هجری برابر با ۱۹۴۴ میلادی، مسلمانان برای اولین بار ماه رمضان را بدون خلیفه روزه گرفتند.

در پانزدهم رمضان سال ۱۳۸ هجری برابر با ۷۵۶ میلادی، فرمانده عبدالرحمن داخل از دریا گذشت و وارد اندلس شد و در پانزدهم رمضان مبارک، در سرگاه روز جمعه سال ۱۴۱۴ هجری برابر با ۲۵ فوریه ۱۹۹۴ میلادی، مسلمانان با چشم و گوش خود شاهد جنایت مسجد ابراهیمی در شهر الخلیل بودند؛ جنایتی که ارتش یهود و گروهی از شهرک‌نشینان کریات اربع در آن شرکت داشتند و توسط افسر یهودی باروخ گلدشتاین اجرا شد. در این جنایت ۹۰ نفر شهید شدند و سه برابر این تعداد زخمی شدند، درحالی‌که در نماز صبح حاضر بودند.

آیا تمویز رومن شد؟ آیا ممکن بود مصر فتح شود اگر عمر فاروق و فاتح معمر بن عباس و خلافتی نافذ وجود نداشتند؟ آیا مسلمانان می‌توانستند این فتح را در ۱ رمضان محقق کنند؟ یا رمضان همان‌گونه بر آن‌ها می‌گذشت که امروز بر ما یا شبیه آن می‌گذرد؟

جای تعجب نیست که مسلمانان در ۵ رمضان همراه با عبدالرحمن داخل بر ملیبیان در دریاها و اطالیه پیروز شوند، اما شگفت‌آور آن است که در همان روز، جنایت نَد در فلسطین رخ دهد و مسلمانان نه پشتیبانی داشته باشند و نه تکیه‌گاهی.

حزب التحریر / تانزانیا خواستار آزادی بازداشت‌شدگانی

است که دوباره بازداشت‌شده‌اند

حزب التحریر / تانزانیا بازداشت مجدد دوازده نفر را که در تاریخ ۴ مارس ۲۰۲۵ پس از گذراندن ده سال حبس آزادشده بودند، به‌شدت محکوم کرد. آنان عبارت‌اند از: علی‌محمد اولاتولی (۷۰ ساله)، خفیمی محمد اولاتولی (۶۱ ساله)، نصورو سلیمان اولاتولی، رجب علی‌محمد اولاتولی، نر رمضان خفیمی محمد اولاتولی، سعیدی عبدالله سمیتیا، فاضلی شعبانی لکومیمبی، منمو قاسم موتومبو، عبدالله بوشیری کالوکولا، خفیمی علی ماسامبا، العمری عبدالله ماکوتا، محمد حسن اوتواجادو. تمام بازداشت‌شدگان مذکور اخیرا پس‌از آن آزاد شدند که مدیر دادستانی کل اعتراف کرد تمایلی به ادامه پیگیری اتهامات ادعایی ندارد. باین‌حال، دستگاه‌های دولتی با وحشیگری و بدون شرم آنان را دوباره بازداشت کردند و در ماه مبارک رمضان بار دیگر در بازداشت نگه داشتند

بر این اساس، سخنگوی رسانه‌ای حزب التحریر در تانزانیا، استاد مسعود مسلم در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: حزب التحریر / تانزانیا مسلمانان و هرکسی را که حس عدالت در او زنده است فرامی‌خواند تا صدای خود را علیه این انحراف از عدالت بلند کند. همچنین ما از تمام نهادهای مسئول در حوزه عدالت در تانزانیا می‌خواهیم که به تصمیم مدیر دادستانی کل پایبند باشند و قوراً دوازده بازداشت‌شده را آزاد کنند.

مردم شام همچنان در کمین نیرنگ آمریکا هستند

استاد عبد الخالق عبدون علی

مناطق ساحل سوریه شاهد تشدید نظامی بود که از تاریخ ۲۰۲۵/۳/۶ آغاز شد و شامل مجموعه‌ای از حملات سازمان‌یافته و هم‌زمان در گستره جغرافیایی وسیعی بود که نیروهای ارتش و امنیت مستقر در منطقه را هدف قرار داد. این حملات توسط بقایای رژیم طاغوت بشار اسد و فرقه او اجرا شد؛ کسانی که در دوره حکومت او و پیش از آن، پدرش، بر فصول ارتش و دستگاه‌های اطلاعاتی سیطره داشتند.

باجود تعداد زیاد شهدایی که در جریان این حملات به‌شهادت رسیدند، جنایتکاران در تسلط بر منطقه شکست خوردند که دلایل متعددی داشت، مهم‌ترین آن خیزش بزرگ انقلابی در سراسر شهرهای سوریه بود و پس‌از آن حرکت ده‌ها هزار داوطلب مسلح برای حمایت از نیروهای نظامی در آنجا، امری که به دردمرغ شکستن قدرت آن‌ها انجامید و خسارت سنگینی بر آنان وارد کرد و آنان را مجبور به عقب‌نشینی از مراکز تسلطشان به سوی کوه‌ها کرد؛ اما عملیات راهبرتی و کمین‌گیری همچنان ادامه دارد و به نظر می‌رسد در سایه طبیعت فریادیایی منطقه و تردید دولت در برخورد با توانی ادامه یابد.

در همین راستا، چند روز پیش‌از این تحولات، تنش‌ها میان اداره مرحله انتقالی و دروزیان در جنوب (سویدا) و کمین‌گیری همچنان ادامه دارد و به نظر می‌رسد تظاهراتی در مرکز شهر سویدا، بلیزه اداره جدید هم‌زمان شد که از اخبار استاندارد و جایگزینی پرچم فرقه به‌جای پرچم موجود بر ساختمان استانداری همراه بود.

همچنین در تاریخ ۲۰۲۵/۲/۲۴ اعلام شد که شورای نظامی در سویدا، با اکثریت درونی تأسیس‌شده است تا یکی از نیروهای فعال در آن منطقه باشد؛ اما نکته قابل‌توجه، گزارش‌هایی بود که از هماهنگی میان این شورا و نیروهای دموکراتیک سوریه (فسد) فعال در شمال شرق سوریه خبر می‌داد؛ به‌گونه‌ای که برخی نشانه‌های این هماهنگی در جریان رژه‌های نظامی که شورا برگزار کرد، ظاهر شد؛ از جمله برافراشته شدن پرچم‌هایی شبیه به آنچه «فسد» استفاده می‌کند، علاوه بر افهارات متعدد از سوی رژیم بهود درباره ارائه حمایت از دروزیان در سویدا، گزارش روزنامه وال‌استریت ژورنال نیز فاش کرد که رژیم بهود در تلاش است تا دروزیان سوریه را به مخالفت با دولت جدید و درخواست خودمختاری در چارچوب نظام فدرالی تشویق کند و این رژیم قصد دارد بیش از یک میلیارد دلار برای تحقق این هدف هزینه کند.

هم‌زمانی این رویدادها و وقوع آن‌ها در یک بازه زمانی، بسیاری از ناظران محضه را بر آن داشت تا میان آن‌ها ارتباط برقرار کنند و برخی گزارش‌ها منتشر شد که شکست کودتایی برنامه‌ریزی‌شده توسط علویان در ساحل، دروزیان در جنوب و فسد در شرق با پوشش هوایی از سوی رژیم بهود سخن می‌گفت؛ اما این سخن اغراق‌آمیز است و در حال حاضر از واقعیت به دور است؛ زیرا چنین هماهنگی‌ها هنوز به مرحله بلوغ نرسیده، هرچند نشانه‌های خبیث آن آشکار است.

همچنین حرکت انجام‌شده در تاریخ ۲۰۲۵/۳/۶ حرکتی بود که ابعد آن به‌خوبی مطالعه نشده بود، افزاینو بر بازتاب‌های منفی‌ای بر دشمنان انقلاب داشت و بازتاب‌های مثبتی بر مسلمانان سوریه با وجود دشواری‌اش، بر جای گذاشت و نتایج امیدبخشی به همراه داشت، از جمله اینکه احساسات پایگاه انقلابی را بار دیگر برانگیخت و آن را به‌شدت دربره وسیع کرد. همچنین درسی به مردم داد که در ضرورت چنگ زدن به سلاح و عدم پیروی از آنچه اداره فعلی درباره ضرر سلاح در دست دولت مطرح می‌کند، تأکید می‌کند. افزون بر این، موجب تقویت هویت اسلامی در برابر این تحکرات شد؛ از این‌رو دیدیم که بیشتر این مناطق پریم رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را به‌معنوان نماد خود برافراشتند.

دستگاه‌های امنیتی سرکوبگر رژیم اردن یکی از جوانان

حزب التحریر را بازداشت کردند

دستگاه‌های امنیتی سرکوبگر، روز یکشنبه گذشته، نهم رمضان، استاد محمد احمد النادی، یکی از جوانان حزب التحریر را در فروگاه بازداشت کردند و او را از سفر برای انجام عمره درحالی‌که یک‌گوییان و همراه خانواده و فرزندانش بود، بازداشت نمود. این دستگاه‌ها طبق رویه همیشگی خود در سرکوب صامان دعوت، نه صرفت رمضان را رعایت کردند و نه سن بالای النادی را و نه هراس‌اندن خانواده‌اش که همراه او برای انجام عمره بودند. سپس او را تحویل دادستانی امنیت کشور دادند. دادستان دو اتهام او وارد کرد: تلاش برای سرنگونی نظام و عضویت در گروهی ممنوعه، محمد النادی همچنان در بازداشت است و قرار است پرونده‌اش در دادگاه امنیتی بررسی شود.

در واکنش به این جنایت زشت، دفتر رسانه‌ای حزب‌التحریر در ولایت اردن در بیانیه‌ای مطبوعاتی گفت: رژیم اردن همچنان بر گمراهی دیرینه خود ادامه می‌دهد، ترسان از کلمه حقی که اسلام بدان فرستاده است و آن را تهدیدی برای امنیت خود می‌داند. سپس گناه النادی که به خاطر آن بازداشت شد چیست جز اینکه گفت، پروردگار ما را می‌بخشد؟

دستگاه‌تعالی است، پس بر دعوت به اسلام استقامت ورزید؟ و حزب‌التحریر که او به آن تعلق دارد و اهل زمین او را می‌شناسد، حزبی سیاسی است که برای ازسرگیری زندگی اسلامی از طریق کار فکری و مبارزه سیاسی فعالیت می‌کند. آیا دعوت به اسلام نزد رژیم مستوجب بازداشت و زندان شده است، درحالی‌که دعوگران سکولاریسم، فحشا و فسی اجازه دارند بر منبرها بایزند و رژیم نیز در جنگش علیه این دین عظیم با آنان همراه می‌شود؟ «وما نقموا منهم الا ان یؤثروا بالله الفزیز الحیدم» و آنان از ایشان انتقامی نگرفتند جز اینکه به الله سبحانه‌وتعالی عزیز متوهم ایمان آوردند».

باینجه تأکید کرد: این بازداشت‌ها و محاکمه‌ها و احکام ستمگرانه و ظالمانه‌ای که در پی دارد، به کارنامه رژیم و دستگاه‌هایش در قهر و سرکوب مسلمانان افزوده می‌شود و امت در دنیا شما را بر آن مواخذه خواهد کرد و متعقم جبار نیز در دنیا اُکرت شما را بر آن بازخواست خواهد کرد؛ و این اقدامات، جوانان حزب‌التحریر را از حمل دعوت و کار برای اجرای شرع الله سبحانه‌وتعالی و امراض زانی و افشای زشتی و دروغ این حاکمان که خود را در گرو دشمنان امت قرار داده‌اند و در حمایت و پشتیبانی آنان هستند، بازخواهد داشت و اعمال آن‌ها که امنیت کشور را در معرض تهدید قرار داده است، آشکار و بر امت پوشیده نیست.

معضل اردوغان و اتحادیه اروپا

استاد اسعد منصور

رئیس‌جمهور ترکیه، اردوغان، در تاریخ ۲۰۲۵/۳/۳ تاکید کرد که «امیت قاره اروپا بدون ترکیه قابل‌تصور نیست». این سخن را در جریان ضیافت افطار رمضانی با سفرای خارجی مقیم آنکارا، در مقر حزب عدالت و توسعه در پایتخت ترکیه ایراد کرد. او گفت: «ما به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از اروپا، روند پیوستن‌مان به اتحادیه اروپا را یک اولویت راهبردی می‌دانیم». افزود: «اروپا به‌سختی می‌تواند به‌عنوان یک بازیگر جهانی به مسیر خود ادامه دهد، بدون آن‌که جایگاه شایسته ترکیه را به رسمیت بشناسد».

بیباید نگاهی به روابط ترکیه با اتحادیه اروپا بیندازیم؛ تلاش ترکیه برای پیوستن به این اتحادیه از تاریخ ۱۹۵۹/۷/۳۱ آغاز شد. مذاکرات آغاز گردید و پروتکل‌ها و تفاهنامه‌های متعددی در تاریخ‌های مختلف و تحت عناوین گوناگون طی دهه‌های متعددی به امضا رسید که این امر نشان‌دهنده نبود جدایی اروپا در پذیرش ترکیه است، بلکه آن را بین امید و ناامیدی نگه‌داشته تا آن را تحت‌فشار قرار دهد و شروطی بر آن تحمیل کند تا اروپا نزدیک‌تر شود و از باقی‌مانده اسلام در خود بیشتر دور گردد و تا نفوذ سیاسی یافته‌اند اروپا در ترکیه را حفظ کند و آنچه را که به نفع آمریکا از دست‌داده، بازپس گیرد.

در تاریخ ۲۰۰۵/۱۰/۳ تصمیمی اتخاذ شد مبنی بر پذیرش بررسی رسمی ترکیه و واجد شرایط دانستن آن برای عضویت در اتحادیه. این تصمیم تحت‌فشار آمریکا اتخاذ شد تا ترکیه منصری باشد که به نفع آمریکا در داخل اتحادیه ایفای نقش کند و وزیر خارجه وقت فرانسه، برنار کوشنر، به این امر اعتراف کرد. اما اروپا بار دیگر به وقت‌کشی روی آورد و پرونده‌های متعددی را مطرح کرد که تعداد آن‌ها به ۳۵ پرونده رسید و موضوعات مختلفی را دربر می‌گرفت، از جمله قبرس، شمال قبرس، علویان، ارمنه، حقوق زنان، حقوق شهروندان، آزادی‌ها، اصلاحات قانون اساسی، قوانین و دموکراسی.

پس از آن مذاکرات از سر گرفته شد تا اینکه در سال ۲۰۱۶ متوقف گردید. پس از آنکه اردوغان نخست‌وزیر خود، احمد داوود اوغلو را به اروپایی‌ها به توافقی برای لغو ویزا برای ترک‌ها جهت ورود به اروپا راضی نمود، برکنار کرد. اروپا هرگز در پذیرش ترکیه در اتحادیه خود جدی نبود و پیوسته با ظفره رفتن و عده‌های سر خرم، این موضوع را به تعویق انداخت. اردوغان اینک می‌کوشد از تنش پدیدآمده میان اروپا و آمریکا که به بی‌تضعیف اتحادیه اروپا و رها ساختن آن در برابر تهدیدات امنیتی روسیه شکل‌گرفته است، نهایت بهره را ببرد. او بار دیگر درخواست پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا را مطرح می‌کند و امیت قاره را به حضور ترکیه می‌راند؛ همچنین ترکیه را به‌عنوان بازیگری مؤثر در عرصه سیاست جهانی معرفی می‌کند. بدین‌گونه، اروپا را از منظر امنیتی و سیاسی نیازمند ترکیه جلوه می‌دهد؛ چراکه در غیر این صورت، آمریکا در سرنوین خود راه دور، روسیه، امیت آن را تهدید خواهد نمود. از همین رو، اگر ترکیه به اتحادیه راه یابد، آمریکا نیز خرسند خواهد شد؛ زیرا ترکیه همچنان در مدار سیاست‌های واشنگتن حرکت می‌کند، منافع اروپا و آمریکا می‌شود و می‌تواند آمریکا را به کاهش تنش‌ها و پذیرش اروپا به‌عنوان شریک بین‌المللی فعال، استفاده سازد؛ آن‌هم به پیشتوانه حضور ترکیه در این اتحادیه.

وی اشاره می‌کند که اروپا بار دیگر از سوی روسیه تهدید شده است؛ جایی که یادآوری می‌کند ترکیه بخشی از اروپا است و می‌تواند در مقابله با این تهدید از ترکیه بی‌نیاز باشد. ترکیه از سال ۱۹۵۲ عضو ناتو است و همواره از سمت جنوب، اروپا را در برابر بلوک شرق به رهبری روسیه محافظت کرده است. اکنون پس از جنگ اوکراین، تهدید روسیه بازگشته و از این جهت، اروپا به ترکیه نیازمند است.

اردوغان ورود ترکیه به اتحادیه اروپا را یک اولویت راهبردی می‌داند. اگر این امر محقق شود، ترکیه نقش مؤثری در داخل اتحادیه به نفع آمریکا ایفا خواهد کرد، در کنار منافع اقتصادی که اردوغان برای کشورش امید دارد. او آگاه است که اروپا وقت‌کشی می‌کند و اینکه عضویت ترکیه تقریباً غیرممکن است و این موضوع به‌صورت سیاسی به‌ربرداری می‌کند تا جایگاه سیاسی خود را در داخل تقویت کند.

اقدامات کنونی آمریکا در سرزمین‌های اسلامی نشان‌دهنده قدرتی نیست بلکه بیانگر ضعف آن است

سیاست خارجی رئیس‌جمهور آمریکا، ترامپ، در قبال سرزمین‌های اسلامی بر همان سه پایهای استوار است که در دولت‌های پیشین نیز وجود داشت: غارت استعمارگرانه، حفظ موجودیت رژیم‌های یهود و جنگ علیه اسلام. ترامپ به شدت این سیاست‌ها را با تهدیدات پر سرومدای خود افزایش داده است و در مقابل حتی حاضر نیست برای مترواکنش رشوه بدهد یا آن‌ها را قانع کند. بلکه بر آن‌ها فشار می‌آورد تا آنچه را می‌خواهند اجرا کنند، همان‌گونه که وقتی کمک‌ها را از تشکیلات خودگردان فلسطین قطع کرد، بر اردن و مصر فشار آورد تا مسلمانان غزه را حل کنند و از کشورهای دیگر در سرزمین‌های اسلامی هزینه‌های کاپوتدن مردم از غزه و سرایم‌گذاری در آنجا را به عهده بگیرند و از عربستان خواست تا یک تریلیون دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کند فقط برای آنکه ترامپ به آنجا سفر کند.

ای ارتش‌های سرزمین‌های اسلامی: اقدامات کنونی دولت ترامپ در سرزمین‌های اسلامی نشان‌دهنده قدرتش نیست بلکه بیانگر ضعف آن است. این نتیجه شکست پروژه‌های قبلی اوست، زمانی که تلاش کرد نفوذ ایران را با دامن زدن به فرهنگ‌های و تقویت سبب‌دراش بر منطقه افزایش دهد. درحالی‌که اکنون به شکلی فراینده بر رژیم یهود تکیه کرده است، رژیم ضعیفی که حتی توان ایستادگی در برابر یک گروه نظامی از مسلمانان مخلص را ندارد. آمریکا از درون دچار شکاف است، درحالی‌که ترامپ با دستان خود در حال نابود کردن نظام جهانی است. این فرصت طلایی برای امت اسلامی است تا برخیزد و از استعمار آمریکا تلافی بگیرد و خلافت را بر منتهج نبوت برپا کند. خلافتی که قوی‌ترین دولت در جهان خواهد بود و همه این‌ها به موقع شما بستگی دارد. پس برای رضایت الله سبحانه‌وتعالی در این ماه مبارک رمضان، باید این رهبری را برکنار کرد، نه نصرت را بر رهبری مخلص و آگاه خودالتحریر برای برپایی خلافت بدیده؛ خلافتی که پاسخ‌شایسته‌ای برای برنامه‌های ترامپ و استارم و ماکرون و پوتین و شی جن پینگ خواهد داد. برخیزید برای برپایی خلافت که برپایی آن نزدیک‌تر از چیزی است که تصور می‌کنید. الله سبحانه‌وتعالی فرمود: «انهم یرونه یعبدا و نراهه قریبا» «بی‌گمان آنان آن را دور می‌پندارند و ما آن را نزدیک می‌بینیم».

تحرکات بریتانیا در شمال آفریقا

دکتر الاسعد العجلی

بریتانیا به‌خوبی می‌داند که بازپس‌گیری نفوذش در شمال آفریقا می‌تواند فرصت‌هایی را برای تقویت جایگاه اقتصادی‌اش و جبران خسارات ناشی از خروج از اتحادیه اروپا و پیامدهای بحران انرژی فراهم کند.

همچنین این هجوم نظامی و دیپلماتیک بریتانیا به‌سوی شمال آفریقا در چارچوب منطقه‌ای رخ می‌دهد که با عقب‌نشینی نفوذ فرانسه مشخص می‌شود، چنانکه پاریس به‌دلیل فشارهای مداوم آمریکا ناچار شد نیروهایش را از پنج کشور آفریقایی یعنی نیجر، مالی، بوركینافاسو، چاد و سنگال خارج کند و برنامۀ دارد نیروهای بیشتری را خارج سازد؛ این در حالی است که روابطش با الجزایر نیز در اختلافات شدیدی روبه‌رو شده است و درعین‌حال نفوذ روسیه رو به افزایش است، به‌طوری‌که مسکو اکنون در کشورهای مالی، نیجر، بوركینافاسو، جمهوری آفریقای مرکزی، کینه استوایی و لیبی از سال ۲۰۱۹ نیرو دارد، زمانی که آمریکا از روسیه و ترکیه برای برهم زدن معادلات اروپایی‌ها کمک گرفت.

در این باره است یادآوری شود که نفوذ بریتانیا در تونس و ایبلی طی دهه گذشته تا چه اندازه کاهش یافته است، اما بدون شک همچنان بر صحنه سیاسی تونس تسلط دارد و همچنان نقش پنهانی در لیبی پس از سال ۲۰۱۱ ایفا می‌کند. پس از دخالت برجسته‌اش در لیبی از سال ۲۰۱۱، در برابر نفوذ ایالات‌متحده و فرانسه عقب‌نشینی کرد، اما از طریق حمایت از برخی جریان‌های اسلام سیاسی و دخالت در پرونده‌های اقتصادی، به‌ویژه پرونده بانک مرکزی، نقش پنهانی را خود حفظ کرد.

بریتانیا در تلاش است تا نفوذ خود را در تونس و لیبی برای مقابله با چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بازپس گیرد. این کشور ضروری قوی در لیبی داشته است، به‌گونه‌ای که نقش تاریخی برجسته‌ای در لیبی و تونس ایفا کرده است. او بود که از سنسوها در برابر ایالتیالی‌ها حمایت کرد و در تأسیس ارتش لیبی در دوران پادشاهی لیبی مشارکت داشت و قذافی را با کودتایش علیه سنوسی در سال ۱۹۶۹ به قدرتش رساند، پس از آن‌که قذافی را به مدت نه ماه در نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا و پیادمنام در هایت، کنت آموزش داد و سپس همراه با فرانسه در سرنوین او در سال ۲۰۱۱ مشارکت کرد. همچنین این بریتانیا بود که بورقیبه را پس از توافقی بین فرانسوی و مونداس فرانس و افسر اطلاعاتی بریتانیا سسیل حورانی که به مدت ۱۰ سال در کاخ قراخ (بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۷) همراه بورقیبه بود، بر تونس مسلط کرد و نفوذ خود را در تونس تا ۲۵ تارخ ۲۰۲۱ فقط کرد تا این‌که جای خود را به نفوذ فرانسه داد. بنابراین، با وجود ضعف‌هایی که برپانگیزش شده، بریتانیا همچنان تلاش و مانور می‌دهد تا نفوذ تاریخی خود را در هر دو کشور و تونس و لیبی بازگرداند.

و بدین‌سان، در سایه غیاب اسلام از عرصه زندگی، شمال آفریقا به صحنه‌ای برای درگیری‌های بین‌المللی بین فرانسه، بریتانیا و آمریکا تبدیل‌شده است و این نزاع جز با وحدت منطقه در قالب دولتی نیرومند و با شوکت و هیبت که تصمیمات خود را بر اساس سیدات شرع و سلطه امت اتخاذ کند، متوقف نخواهد شد.

در اواخر سال ۲۰۲۲، بریتانیا به‌مقتل از وزیر خارجه سابق خود جیمس کلیورلی از آنچه «استراتژی‌های بلندمدت برای توسعه روابط با قاره آفریقا» توصیف کرده بود، پرده برداشت. از همان تاریخ، سفرهای به‌سوی آفریقا شدت گرفت؛ به‌ویژه در ماه‌های اخیر که تلاش‌های دیپلماتیک خود را بر لیبی، تونس و الجزایر متمرکز کرد. وزیر خارجه‌اش دیوید لابی در حاشیه سفر خود به تونس از تخصیص ۵ میلیون پوند استرلینگ از سوی لندن برای برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی مهاجران غیرقانونی حاضر در تونس خبر داد و اعلام کرد که برای مقابله با عملیات مهاجرت غیرقانونی، به گارد ساحلی تونس پیپاها و دوربین‌های دید در شب تحویل داده می‌شود و همچنین توافق شد که دور سوم شورای مشارکت تونس و بریتانیا در ماه مه ۲۰۲۵ در تونس برگزار شود؛ در همان بازه زمانی که ایالات‌متحده آزمایش نظامی «آفریکوم ۲۰۲۵» را با مشارکت ارتش‌های منطقه در خاک تونس برگزار خواهد کرد.

کشورهای لیبی، تونس و الجزایر شاهد حضور ده‌ها هزار مهاجر غیرقانونی هستند که بحران‌ها در کشورهایشان، آن‌ها را به منطقه شمال آفریقا کشانده است تا آن به‌عنوان نقطه عبور به‌سوی سواحل افریقا استفاده کنند. با توجه به وضعیت مهاجران برآورد می‌شود که این تعداد در سال ۲۰۲۵ نسبت به سال گذشته افزایش یابد. رئیس‌جمهور تونس قیس قیس سعید نیز در میانه‌سال ۲۰۲۳، پادشاهت فاهم «شراکت راهبردی و جامع» با اتحادیه اروپا در زمینه توسعه، انرژی‌های تجدیدپذیر و مبارزه با مهاجرت غیرقانونی امضا کرد که در مقابل آن بستهای از کمک‌ها دریافت خواهد کرد.

هم‌زمان با این سفر که در تونس چنجال برانگیز و پرسش‌برانگیز شد، معاون رئیس ستاد ارتش بریتانیا هاروی اسمیت نیز حرکتی در لیبی همسایه داشت (در تاریخ ۲۰۲۴/۰۲/۲۰) و در جریان آن با بازنگران اصلی آنجا از جمله عبدالحمید الدبیبه، رئیس دولت موقت «وحدت ملی»، خلیفه حنتر فرمانده «ارتش ملی لیبی» و محمد المنفی رئیس شورای ریاست‌دیدار کرد.

و چند روزی از سفر هیئت نظامی بریتانیا به لیبی نگذشته بود که هیئتی از فرماندهی نیروهای نظامی آمریکا در آفریقا (آفریکوم) به ریاست معاون فرمانده آفریکوم، تیمسار جو برنان، مذاکراتی با مسئولان نظامی لیبی در جریان سفری رفت‌وبرگشتی بین بخار و طرابلس در تاریخ ۲۰۲۱/۰۲/۲۵ انجام دادند. بخار مذاکرات بر سر تشکیل نیروی نظامی امنیتی مشترک متشکل از نیروهای وابسته به شرق و غرب لیبی تا پیش از پایان ماه جاری مارس بود. همچنین در همان بازه زمانی (۲۰۲۵/۰۲/۱۳) رئیس مجلس عوام بریتانیا لیندسی هولل با سفیر الجزایر در لندن رودیانی یزید دیدار کرد؛ در این دیدار هولل بر اهمیت الجزایر به‌عنوان شریکی سیاسی و اقتصادی برای پادشاهی متحده تأکید کرد و از نقش الجزایر در تحقق صلح و ثبات در منطقه شمال آفریقا و منطقه جنوب صحرا آفریقا (موریتانی، مالی، نیجر، چاد، بوركینافاسو و سودان) تمجید نمود.

این تحرکات بریتانیا در حالی صورت می‌گیرد که با بحران اقتصادی فراینده خود به‌دلیل خروج از اتحادیه اروپا و بحران انرژی مواجه است.

شهید نصرالله میرزا قاندوف، قربانی جدیدی از

قربانیان رژیم ازبکستان

حزب‌التحریر در ازبکستان شهادت نصرالله میرزا قاندوف را به امت اسلامی به‌طور عام و به مردم ازبکستان به‌طور خاص تسلیت گفت؛ کسی که در این ماه پربرکت به کاروان شهدا پیوست. بر اساس بیانیه مطبوعاتی مصادره‌شده از سوی دفتر رسانه‌ای حزب‌التحریر در ازبکستان، نصرالله رحمان‌الله در سال ۱۹۷۶ میلادی در اندیجران متولد شد و دعوت حزب‌التحریر برای از سرگیری زندگی اسلامی را لیبیک گفت. پس رژیم سفاک کریم‌اف در سال ۲۰۰۰ میلادی او را بازداشت کرد؛ زمانی که فقط ۲۴ سال سن داشت و در عقوان جوانی بود. او نیمی از عمرش را در زندان‌های این رژیم ظالم گذراند. در میان شرایط بسیار سخت و شکنجه‌های جسمی و روحی دچار سردرد و بیماری مزمن شد و وضعیت سلامتی‌اش به‌شدت وخیم بود، بااین‌حال رژیم خون‌ریز میرزیایف، جانشین کریم‌اف، او را آزاد نکرد.

جستارکنار آن‌ها که به دلیل ارتکاب جرائم هولناکی همچون قتل، قاچاق مواد مخدر، تجاوز و سرقت زندانی‌شده‌اند، امکان تخفیف مجازات و حتی آزادی‌شان وجود دارد اما دربرابر حاملان دعوت اسلامی که به دعوت اسلام را بر دوش دارند، «انسانیت» این رژیم آن‌ها را نادیده می‌گیرد؛ آنان را به اتهام «ساده دینی» با شدت فراوان مجازات می‌کند؛ نه در دادگاه و نه پس‌از آن تحقیقی شامل حالشان نمی‌شود و حتی اگر این میرک و زندگی باشند از مرگ برادرمان نصرالله و دیگران، لیبی روشن بر این موضوع است.

در بیانیه آمده است، این جوانانی که عمرشان را در آن زندان‌های نور برای گفتن «ربنا الله» سپری کرده‌اند، بیشترشان، اگر نگوئیم همگی در آستانه مرگ‌اند و رژیم جستارکنار که مجرمان واقعی را به بهانه «مشکلات سلامت» از رژیم می‌کند، این جوانان بی‌گناه را بدون هیچ جقی یکبرج قرن در زندان نگه می‌دارد. امروزه این رژیم جایت خود را بیشتر کرده و قلمش را افزایش داده است، به‌گونه‌ای که آن دسته از جوانانی را که به‌تازگی آزادشده‌اند دوباره زندانی می‌کند و مجازات‌های طولانی بر آنان تحمیل می‌کند. این رژیم همان‌گونه که کریم‌اف عمل می‌کرد، ۱۵ جوان را زندانی و ۳۱ جوان دیگر را ظالمانه محاکمه کرده است. این رژیم ازبکستان به این جایت و ظلمش به اولین الله سبحانه‌وتعالی، خود را در برابر جهانیان رسوا کرده است. اکنون این رژیم باید برای عذابی شدید و سیاهی روی‌ها در روز قیامت آماده شود.